

کوچک سازی یا ستادسازی؟



رضا رئیسی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

شیخ اجل می‌فرماید: «به عمل کار برآید به سخندانی نیست» پند و اندرزى که اگر در طول سالیان متمادى، بسیاری از مسئولین و متولیان امر به گوش جان نیوش می کردند، شاید حال و احوال ملک و ملت چنین نبود که اکنون است. سالیان متمادی است که تحلیلگران بر جسته و اقتصاددانان میز و شمار زیادی از مسئولان وقت، یکی از بزرگترین معضلات ریشه‌ای و بنیادین متوجه اقتصاد ایران را کارکردها و صدمات ناشی از فرپهی دولت و ساختار فشل و سنگین و غیرقابل انعطاف آن دانسته‌اند و پیراموش داد سخن سر داده‌اند. طرفه آنکه در همه دولت‌ها نیز مسئولین وقت بر لزوم اصلاحات ساختاری، کوچک‌سازی دولت و حرکت در مسیر تغییر الگو در راستای تولی‌گری به جای تصدی‌گری در دولت گفته‌اند؛ اما آنچه در عمل رخ داد، بزرگتر شدن بدنه دولت از دولتی به دولت دیگر بوده است.

عطف به همین وضعیت، رهبری در دیدار اخیر با هیئت دولت، بر لزوم اصلاحات ساختاری و کوچک‌سازی دولت تأکید کردند و فضای موجود تعاملی میان ارکان و قوای مختلف را فرصت مطلوبی برای دولت‌برای اجرایی شدن این اصلاحات ساختاری دانستند (نقل به مضمون). از طرف دیگر، رئیس‌جمهوری نیز در سفر اردبیل خود به تورم‌زایی، ساختار فریه دولتی اشاره کرد و تا بدانجا پیش رفت که خواستار کاهش زمان کاری کارمندان دولت شد. با همه این اوصاف، واکنش دولتمردان در این زمینه چه بود؟ یکی از مسئولان اطلاع‌رسانی دولت خبر داد که چند ساعت پس از دیدار رهبری با اعضای هیئت دولت، معاون اول رئیس‌جمهوری در راستای رفع دغدغه‌های رهبری ر خصوص توجه به معیشت مردم به‌ویژه تثبیت قیمت و تأمین کالاهای اساسی، دستور تشکیل ستادی با حضور وزرای صمت، جهاد کشاورزی و اقتصاد و رؤسای سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی را صادر کرده و قرار است طی دو هفته اعضای ستاد، سازوکارهای لازم و برنامه‌های راهبردی در این زمینه تدوین کنند. از طرف دیگر نیز، عنوان شد که وزیر نفت با توجه به اشاره رهبری در مورد ارتقای روش‌ها و ابزارهای تولید نفت و استفاده از ظرفیت جوانان نخبه در حوزه تولید نفت و گاز،

دستور تشکیل کارگروهی متشکل از مدیران اجرایی، استادان دانشگاه و صاحب‌نظران بر جسته این حوزه در وزارت نفت را داده است.

همزمانی این اقدامات که علی‌الظاهر برای عملی‌سازی دیدگاه‌های رهبری در این حوزه صورت گرفته با اشاره صریح ایشان به لزوم اصلاحات ساختاری و کوچک‌سازی دولت که قاعدتاً مسئله راهبردی و معضل چنددهه‌ای دولت‌های مختلف بوده و اهمیت و اولویت دوچندان تری دارد، در نوع خود جالب‌توجه است و حکایت از پرخورد شعاری و فرمالیته‌نسبت به رفع دغدغه‌های بنیادین و حل‌وفصل ریشه‌ای مسائل راهبردی کشور دارد. در حالی که همه می‌دانیم بدنه ساختاری دولت، فره به فشل و ناکارآمد است و تجربیات گذشته از تشکیل چنین ستادها و کارگروه‌های موسمی و مقطعی هیچ‌گاه منجر به حل معضلات ریشه‌ای نشده و مسئله روی مسئله گذاشته است، چنین واکنش‌های تکراری و شعاری آیا زبینه دولتی است که شعار کارآمدی و نخبه‌گرایی و شایسته‌سالاری و بهره‌گیری از نظرات کارشناسی را داده است؟ مگر نه این است که معاون اول رئیس‌جمهور، به‌عنوان مهمترین چهره اقتصادی در نقطه کانونی و گریانگاه مرکزی قلب اقتصادی دولت، به ایفای نقش می‌پردازد و مسئولیت اصلی هماهنگی حوزه اقتصاد با اوست و وزرا و مسئولان برشمرده در این ستاد، جملگی متولی بخش‌های مختلف اقتصاد کشور هستند؟ پس لزوم تشکیل این ستاد تازه چیست و چه تغییری را می‌توان از آن انتظار داشت؟ آیا این عزیزان تاکنون به وظایف خود در حوزه اقتصاد و معیشت مردم بی‌توجه بوده‌اند که با تشکیل ستاد، به‌یکباره دچار تغییر و تحول شوند و نقطه را سر خط بیاورند؟ یا مسئله ساماندهی معیشت مردم و معضلات عدیدهای که در این عرصه با آن دست به گریبان هستیم؛ آیا رخداد تازه و خلق الساعه‌ای است؟ یا لزوم افزایش تولید و بهره‌گیری از توانایی متخصصان داخلی در حوزه تولید نفت در شرایط کنونی و مضایق برآمده از تحریم و فشارهای خارجی، از نظرها به دور بوده و در سبیل توجهات نبوده که اکنون انتظار داشته باشیم با تشکیل ستاد و کارگروه قابل حل‌وفصل سریع و آتی و فوری باشد؟

در واقع، چنین واکنش‌های شعاری، دفعی و فرمالیته‌ای نسبت به مسائل کلان و راهبردی کشور خود بخش عظیمی از صورت مسئله مشکلات ریشه‌ای است و تا زمانی که چنین نگرش‌هایی اصلاح و تصحیح نشود، نمی‌توان انتظار تغییر وضعیت و بهبود امورات کشور را داشت.

ضرورت تصویب بی‌حاشیه

موتورسیکلت سواری زنان از نگاه فقه امامیه



آرش ملکی

پژوهشگر حقوق بین‌الملل

یکی از ویژگی‌های (احتمالاً) منحصر به‌فرد سیاست‌ورزی در ایران امکان بدل ساختن مطالبات اجتماعی بدیهی به یک مسئله غامض و چالشی ملی است. آخرین نمونه، موتورسیکلت‌سواری بانوان است که این روزها به کانون اخبار بازگشته، و نظرات متفاوتی پیرامون آن ابراز می‌شود. یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با آن به‌مخالفت برخاسته، و همکار او راندن موتورسیکلت توسط بانوان را بلااشکال می‌داند. رویکردی که پیش از این در قبال فیلترینگ فضای مجازی و پوشش عرفی تکرار شده بود و پس از صرف هزینه‌های اجتماعی فراوان به هیچ نتیجه مشخصی نرسید. اکنون بنا دارد در قبال موتورسیکلت‌سواری بانوان تکرار شود. حال آنکه همچون تمام پدیده‌های اجتماعی نوظهور، در نهایت این خرد جمعی است که در پرتو مؤلفه منفعت پیرامون آن پدیده تصمیم گرفته، و تقالی حاکمیتی بر مبنای اراده اقلیت جز اسطکال اجتماعی ثمره دیگری نخواهد داشت. البته راندن این وسیله نقلیه (به واسطه قیمت نسبتاً بالای یک دستگاه موتورسیکلت) در مقام مقایسه یک پدیده اجتماعی معتدله نیست، و احتمال بروز تنش پیرامون آن به‌مراتب کمتر از موارد نامبرده است.

در یک نگاه کلی، از موتورسیکلت‌سواری بانوان تا پیش از هفت سال قبل به عنوان یک مطالبه حقوقی متقن سابقه‌ای وجود ندارد. به سال ۱۳۹۷، بانویی ساکن اصفهان ممنوعیت صدور گواه‌ی نامه موتورسیکلت برای بانوان از سوی نیروی انتظامی را به دیوان عدالت اداری بُرد و از شعبه بدوی این محکمه با استناد به اصل اباحه (جواز تصرف در اشیاء) رای گرفت؛ اما رای صادره بعدتر در شعبه تجدیدنظر خواهی مردود اعلام شد و این حق بدیهی مجالی برای تثبیت نیافت. حتی که محصول تغییرات اجتماعی قطعی، و نتیجه اراده نسل زنان جوانی است که به منظور فائق آمدن بر صعوبت اقتصادی به امری که پیش از این طبع مردانه داشت مبادرت می‌ورزند. البته فراموش نشود وفق قاعده «البینه علی المدعی و البیین علی من آنکر»، بار اثبات بر

استقبال از عفو معیاری

ارزیابی فعالان سیاسی و حقوقی از اقدام اخیر قوه قضائیه



پریسا هاشمی

گزارشگر هم‌میهن

ماه گذشته در نشست مدیران رسانه با محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه موضوع «زندانیان سیاسی» مطرح شد و الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری اعلام کرد که کمتر از انگشتان دست زندانی سیاسی داریم. این اظهارنظر موجی از انتقادات را به راه انداخت. چراکه بسیاری معتقد بودند که زندانیان سیاسی را به عنوان «زندانیان امنیتی» حبس کرده‌اند و این بازی با کلمات است و برخی آزادی زندانی سیاسی (و به‌زعم برخی زندانیان امنیتی) را شروع آزادی‌های سیاسی دانستند. شاید به‌همین دلیل است که پرونده زندانیان امنیتی نیز در عفو به مناسبت میلاد پیامبر مورد توجه قوه قضائیه قرار گرفت و از «عفو معیاری» رونمایی کرد. اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه با اشاره به اینکه حداقل ۶۰ تا ۷۰ هزار نفر مشمول عفو و تخفیف مجازات قرار خواهند گرفت، تأکید کرد: «برخی محکومان جرائم امنیتی با شرایط خاص و پس از بررسی دقیق، در فهرست عفو اخیر قرار گرفته‌اند، اما جرایم شدیدتر و جاسوسی شامل این عفو نمی‌شوند.»

▼ عفو ۷۰ درصد زندانیان امنیتی

علی مظفری، معاون قضایی قوه قضائیه نیز در گفت‌وگوی ویژه خبری با اشاره به اینکه قوه قضائیه سه شیفت مشغول بررسی پرونده عفو‌خورده‌ها است، از احتمال اینکه پایان بررسی‌ها این هفته و به نهایتاً اواسط هفته بعد باشد، خبر داد. او در این مورد تأکید کرد: «امتیاز دیگر این است که در عفو معیاری، دایره گستره عفو نسبت به شمولش خیلی بیشتر است. هدف از اتخاذ این رویکرد نیز این بود که تعداد کثیری از افرادی که به هر دلیلی محکومیت‌های قطعی پیدا کردند؛ محکومان دادگاه‌های عمومی انقلاب، سازمان قضایی نیروهای مسلح و سازمان تعزیرات حکومتی، بر خلاف عقوهای معمولی سنتی، در این مر حله تعداد زیادی از آن‌ها یا به طور کامل پرونده‌شان مختومه خواهد شد و یا بخشی از محکومیت آن‌ها نهایتاً یا از تخفیف مجازات و یا عفو کامل بر خوردار می‌شوند.»

او افزود: «رئیس قوه قضائیه همیشه به صورت مکرر و مؤکد در بر خورد با مسئولین قضایی به‌دو مطلب اشاره و تأکید دارند؛ اولین مطلب این است که اگر جرم مهم باشد یعنی از نوع جرایمی باشد که امنیت جامعه، امنیت مالی و امنیت فکری جامعه را به مخاطره می‌اندازد باید در قبال چنین مجرمینی بر خورد قاطع و جدی صورت گیرد. در جرایم کلان اقتصادی ایشان ضمن اینکه در ابتدا تأکید دارند خسارت‌ها و اموال مردم باید جبران و بازگردانده شود ولی در مجازات فرد ایشان به هیچ وجه توصیه‌ای برای اغماض و یا تخفیف ندارند، اما در رابطه با جرایم معمولی که خیلی تأثیری در اجتماع نداشته است تأکید ایشان بر این است که به نوعی باید بر خورد شود که زمینه برگشت فرد به جامعه از بین نرود و به‌ا فرصت بازسازی داده شود. این اصل جزء اصول همیشگی و مورد تأیید ایشان است و همین مسئله مقدمه‌ای شد که باید چه کار کنیم که اولاً محکومان مختلف محاکم و سازمان قضایی نیروهای مسلح و تعزیرات حکومتی که تنها بازداشت‌شدگان، حبسی‌ها و محبوسین نیستند بلکه محکومین به شلاق، محکومین جزای نقدی و محکومین دیگری را نیز شامل می‌شود مورد ارزیابی قرار گیرد. لذا ایشان از تعدادی از کارشناسان حقوقی، اجتماعی و امنیتی مدت‌ها مشاوره گرفتند و نهایتاً مقرر شد دستورالعملی تهیه شود که دیگر در آنجا لازم نباشد که ما تعداد هزار و یا دو هزار نفر را شناسایی و اسامی آن‌ها را برای بر خورداری از عفو اعلام کنیم.» معاون قضایی قوه قضائیه با اشاره به اینکه در جرایم امنیتی افراد با دو شرط مشمول عفو می‌شوند که یک رویکرد اقتداری برای حاکمیت است، تأکید کرد: «کشور ما در وضعیت نه جنگ و نه صلح و توقف جنگ با رژیم صهیونیستی و آمریکا قرار گرفته است. یکی از رفتارهای معمولی، متعارف و شاید محتاطانه این است که با افرادی که سابقه اقدام علیه مصالح کشور داشته باشند، بر خورد سختگیرانه شود، اما از آن جایی که نگاه مسئولین عالی به ویژه مقام معظم رهبری نسبت به احاد جامعه حتی افرادی که خطاهایی داشتند و بعضاً اقداماتی علیه مصالح کشور داشتند نگاه پدران است، در جرایم امنیتی با دو شرط، افراد مشمول عفو می‌شوند که یک رویکرد اقتداری برای حاکمیت است.»

او در تشریح شروط عفو محکومین امنیتی گفت: «شرط اول این است که از زمان محکومیت قطعی این افراد حداقل ۵ سال تا تاریخ ۱۶/۱۹/۱۴۰۴ سپری شده باشد و شرط دوم این است که در این مدت ۵ سال، فرد اصرار بر مواضع قبلی خود نداشته باشد. این رویکرد حاکمیتی نشان می‌دهد که نگاه حاکمیت و مسئولین عالی نظام به ویژه مقام معظم رهبری نسبت به این‌ها همچنان به عنوان عضوی از پیکره بزرگ جامعه است. اگر این دو شرط محقق شده باشد حتی اگر یک روز از محکومیت فرد اجرا نشده باشد، فرض کنید که از اول در خارج از کشور زندگی می‌کرده و هنوز برای تحمل کیفر مرآجه نکرده باشد و یا در ایران بوده و به هر دلیلی حتی یک روز هم حبس نرفته باشد و حکم او اجرا نشده باشد، فرد مشمول عفو خواهد شد.»

مظفری با اشاره به اینکه پیش‌بینی ما این است که تعداد زیادی از محکومین امنیتی مشمول این عفو خواهند شد، تأکید کرد: «شاید بالای ۷۰ درصد محکومین امنیتی مشمول مفاد این عفو قرار گیرند و بعد از آن هم جرائم نیز از سوابق آن‌ها حذف می‌شود و می‌توانند بدون هیچ محدودیتی به راحتی به زندگی و کارهای اجتماعی خود ادامه دهند. آمار سخنگوی قوه قضائیه ناظر بر تمام محکومان است. تمام محکومانی که به اشکال مختلف، محکومیت قطعی داشتند و بر اساس اعمال این دستورالعمل می‌توانند مشمول عفو قرار گیرند. برآورد ما این است افرادی که مشمول این عفو شدند به صورت تخمینی حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار نفر یا یک مقدار بیشتر از این عدد باشند و ما امیدواریم که تعدادشان بیشتر از عددی باشد که اعلام شده است.»

▼ عفو زندانیان بی‌جرم؟

عباس عبدی، تحلیلگر سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با هم‌میهن درباره این عفو معیاری تأکید کرد: «به‌طور کلی عفو معیاری نشانگر اعتماد به‌نفس حکومت‌هاست و بر حسب اینکه عمق و گستره و شمول آن چقدر باشد اندازه و کیفیت اعتماد به نفس مزبور را نشان می‌دهد. اثرگذاری آن در جامعه نیز وابسته به ابعاد عفو است. عفو‌ی که در سال ۱۴۰۱ انجام شد از حیث گستره آن زیاد بود و یکی از علل اصلی در فروکش کردن نسبی تنش‌های اجتماعی هم بود. ولی در مورد عفو اخیر باید بگویم که با توجه به مجموعه اخباری منتشره از سوسی قوه قضائیه و گفت‌وگوی معاونت محترم قضایی قوه، هنوز درک دقیقی از ابعاد و شمول آن پیدا نکرده‌ام. ایشان در بخشی از گفت‌وگوی خود درباره مشمولین عفو می‌گویند: «نخست افرادی که در زندان بودن‌شان به هیچ‌وجه ضرورتی ندارد و دوم کسانی که از زندان بیرون آمدن و مشمول عفو شدن‌شان هیچ گونه ضرری برای امنیت جامعه نداشته باشد.» اگر چنین است نیازی به عفو این افراد نیست اصلاً چنین افرادی نباید در زندان باشند تا عفو شوند. به‌علاوه مسئله مهم این است که عفو معیاری به معنای اثرگذاری بر رفتار محکومین نیز هست؛ دلیلی ندارد پیش از تجربه عفو بخواهیم آنان را از نظر رفتار احتمالی در آینده آزمون کرد.» او افزود: «در هر حال با توجه به دقت‌های آقای اژه‌ای در این سیاست‌گذاری می‌توان امیدوار بود که این عفو حتماً مشمول قابل توجهی خواهد داشت و باید منتظر آثار مثبت آن در جامعه نیز باشیم.»

▼ تخفیف حکم به جای عفو

عمادالدین باقی، نویسنده و پژوهشگر حوزه حقوق بشر در ارزیابی عفو معیاری اخیر قوه قضائیه به هم‌میهن گفت: «عفو اخیر فی‌نفسه حرکتی زیبا و در جهت همبستگی ملی است اگر در اجرا، دچار تنگ‌نظری نشود. یکی از انتقادات به بخشنامه عفو این بود که معیارها و شاخص‌های ارائه‌شده هزاران زندانی و از جمله بسیاری از زندانیان سیاسی را در بر می‌گیرد اما در بخش استثنائات جرائم امنیتی را از شمول بخشنامه عفو استثناء کرده است و چون در سیستم قضایی ما وجود زندانی سیاسی را نمی‌پذیرند و اتهامات آنها را در قانون اتهامات امنیتی قلمداد کرده‌اند، بنابراین بخشنامه شامل حال قریب‌الانفاق آنها نخواهد شد اما آنچه در عمل رخ داد خوشبختانه متفاوت بوده زیرا به دادستان اختیار داده که مصادیق جرام امنیتی را تفکیک کنند و به عبارتی گرچه در تئوری، زندانی سیاسی را نمی‌پذیرند اما در عمل، آنهایی که زندانی سیاسی محسوب می‌شدند را از وابستگی به گروه‌های تروریستی و محکومان جاسوسی جدا کردند و در نتیجه در این روزها شاهد بودیم که تعدادی از زندانیان که از آنها به عنوان محکومان امنیتی نام می‌برند مشمول بخشنامه عفو گردیده و آزاد شدند. البته در همین جا هم به نظر می‌رسد تبعیض‌هایی روا شده چون تا آنجا که شنیدم هنوز فردی مثل خانم قریبا کمال‌آبادی که ۶۳ سال سن دارد و بیش از ۱۳ سال زندان بوده و بخشنامه عفو هم زنان بالای ۶۰ سال را مشمول بخشودگی قرار داده، هنوز در لیست عفو قرار نگرفته که امیدواریم مانند بقیه محکومان امنیتی ایشان هم از آزادی بهره‌مند بشود. در مجموع در مورد زنان زندانی، ادله عقلی، شرعی، انسانی و حقوق بشری حکم می‌کند که به‌خاطر زن بودن‌شان تبعیض مثبت روا داشته شود.»

او افزود: «بعضی از زندانیان با این عفو آزاد نمی‌شوند و فقط مشمول تخفیف حکم می‌شوند. گرچه کاهش حکم هم اقدامی مثبت است اما برای اینکه به کام خانواده‌شان شیرین شود و این عفو اثر عینی مشخص‌تری داشته باشد شایسته آن است که هم‌زمان با این کاهش، به زندانی مرخصی بدهند و یا وقتی که زندانی واجد شرایط تخفیف حکم بود پس می‌تواند از این جهت واجد شرایط باشد که ادامه محکومیت را بایبند و محدودیت‌های ناشی از آن در بیرون بگذرانند و کنار خانواده باشند.» باقی در پاسخ به این سوال که با این اقدام در خواست نظر من آنچه در عمل در حال رخ دادن است اگر با ایجاد مانع و مزاحمت توسط بعضی از عوامل فشار رویه‌ر نشود و ادامه پیدا کند و خصومت‌های شخصی دخالت نکند حتماً نتیجه‌اش شبیه یک عفو عمومی است و به آنچه گروه‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی در نظر داشتند خیلی نزدیک است.»

این پژوهشگر حوزه حقوق بشر که در ادوار مختلف پیگیر پرونده زندانیان سیاسی بوده در پاسخ به این سوال که آقای جهانگیر اعلام کرده پیش از این دوبر این عفو معیاری شامل حال زندانیان شده است، در آن دوران هم زندانیان سیاسی و امنیتی مشمول عفو می‌شدند؟ گفت: «معمولاً در طول سال ۱۱ مورد عفو (اعم از عفو مصداقی و عفو معیاری) داریم و البته بیشتر آنها عفو مصداقی است. عفوهای معیاری معمولاً گسترده‌تر هستند. در طول سال‌های گذشته یک‌بار عفو گسترده بعد از اعتراضات مهسا دشتیم که شاید دلایلش عدم ظرفیت زندان‌ها بود به علاوه تلاش برای مهار ناراضی‌ها. اما در حال حاضر به نظر می‌رسد دومین عفو گسترده می‌تواند عفو میلاد پیامبر در هفته گذشته باشد؛ به شرطی که علاوه بر بخشنامه منتشرشده، پیوستی هم برای دادستانی‌ها داشته باشد. البته آنچه منتشر شده نامه‌ایست که رئیس قوه به رهبری داده ولی آنچه که ملاک است نامه‌ای است که از دفتر رهبری برگشته و احتمالاً نکات متفاوتی هم دارد. بهتر بود در مورد بعضی از استثنائات، افزوده می‌شد «مگر با تشخیص دادستان» که اگر زندانیانی بودند که حتی جرایم‌شان مشمول مستثنیات عفو هست اما خودشان در زندان ثابت کرده‌اند که متنبه شده‌اند و آزاد کردن‌شان خطرناک نیست به تشخیص دادستان آزاد شوند ولی به نظر می‌رسد در عمل همین اتفاق دست‌کم در مورد بند جرائم امنیتی رخ داده است.»

او درباره آزادی زندانیان امنیتی ۱۴۰۱ براساس این عفو معیاری تأکید کرد: «آن بند بخشنامه درباره آنهایی که محکومیت‌شان به عللی اجرا نشده شامل افراد زیادی می‌شود مانند دکتر حبیب‌الله پیمان و خانم مینومر تاضی لنگرودی که حدود ۲۰ سال است با وجود اینکه حکم دادگاه مشمول مرور زمان شده و